

# فهرست

پرسش‌های چهارگزینه‌ای	درس‌نامه‌ها
۸۴ ترجمه و تعریب	فصل ۱: ترجمه و تعریب
۹۰ مفهوم	فصل ۲: مفهوم
۹۳ درک متن	فصل ۳: درک متن
۱۰۲ انواع علامت‌های اعراب	فصل ۴: انواع علامت‌های اعراب
۱۰۵ اعراب فعل	فصل ۵: اعراب فعل
۱۰۷ صحیح و معتل	فصل ۶: صحیح و معتل
۱۱۰ نواسخ	فصل ۷: نواسخ
۱۱۳ وصف و اضافه	فصل ۸: وصف و اضافه
۱۱۶ معلوم و مجھول	فصل ۹: معلوم و مجھول
۱۱۹ مفعول به	فصل ۱۰: مفعول به
۱۲۱ مفعول فیه	فصل ۱۱: مفعول فیه
۱۲۳ مفعول مطلق	فصل ۱۲: مفعول مطلق
۱۲۶ حال	فصل ۱۳: حال
۱۲۸ تمییز	فصل ۱۴: تمییز
۱۳۱ استثنای	فصل ۱۵: استثنای
۱۳۴ منادا	فصل ۱۶: منادا
۱۳۸ پاسخ‌نامه‌ی تشریحی	

# فصل ۳۱ حال

حال، اسمی است که **حال** و **چگونگی** اسم دیگری (مثل فاعل، مفعول، نایب فاعل و ...) را در جمله بیان می‌کند؛ مثل قید **حال در فارسی!** مثلاً:

- **يذهب التلميذ مسروراً.** «دانشآموز با شادمانی می‌رود.» (دانشآموز با چه حالتی می‌رود؟ با شادمانی!)
- **جلست في الصّفّ منتظرًا.** «در کلاس، منتظر نشستم.» (با چه حالتی در کلاس نشستم؟ منتظر!)
- **صاحب حال، همان اسمی است که** **حالش** توسط **حال** بیان می‌شود. برای نمونه در مثال‌های بالا:
- **يذهب التلميذ مسروراً.** → مسروراً **حالی** است برای شخص «من» یا همان ضمیر «تُ». پس **ضمیر بازِ تُ** صاحب حال است.
- **جلست في الصّفّ منتظرًا.** → منتظرًا **حالی** است برای شخص «من» یا همان ضمیر «تُ». پس **ضمیر بازِ تُ** صاحب حال است!

[نکته] همان‌طور که در مثال‌های بالا هم دیدید:

- صاحب حال ممکن است **فاعل**، **مفعول** یا ... باشد، یعنی صاحب حال به خودی خود یک نقش نیست.
- صاحب حال یک اسم معرفه است. در ادامه پیشتر توضیح میدرم که این نشیدرا 😊

## تیپ‌های تستی

- ۱- بودن یا نبودن **حال در جمله** ← عین الحال / عین ما لیس فيه الحال.
- ۲- پیداکردن صاحب حال (و نوع یا نقش آن) ← عین العباره التي تبيّن حالة الفاعل / المفعول / ...
- ۳- درست یا غلط بودن **حال** ← عین الصحيح / الخطأ في الحال.

## روش حل تیپ‌ها

### ۱- بودن یا نبودن **حال در جمله**

حال چندتا ویرگی بازه داره که با کمک اون‌ها می‌تونید توی جمله راحت پیداش کنید:

- ۱- **حال یک اسم مشتق است؛ مثلاً:**

رأيُ صديقي.....

<input checked="" type="checkbox"/> <b>نادماً</b>	<input checked="" type="checkbox"/> <b>مسروراً</b>
اسم فاعل	اسم مفعول

- ۲- **حال یک اسم نکره است؛ مثلاً:**

<input checked="" type="checkbox"/> <b>رجعَ الولدَ نادماً.</b>	<input checked="" type="checkbox"/> <b>شاهدَ المشركينَ خالقينَ.</b>
توپون داره	ال زاره و معرفه شرها پس هال نیست

۳- حال یک اسم منصوب است؛ مثلاً:

- |   |   |  |
|---|---|--|
| <input checked="" type="checkbox"/> قام تلامید مؤذون. | <input checked="" type="checkbox"/> رجعت الطالبات راضيات. | <input checked="" type="checkbox"/> قام التلميذ متکلماً. |
| مفعول با عالمت فرعی کسره                              | مفعول با عالمت فرعی باه                                   | مفعول با عالمت فرعی باه                                  |

۴- حال از نظر معنی، معنای «در حالی که، در حال...» را در خودش دارد؛ مثلاً:

- دخل المعلمون مبتسمنین. «معلم‌ها با لبخند وارد شدند.» می‌توانیم بگیم: «معلم‌ها در حال لبخندزدن وارد شدند.»

- قام التلميذ متکلماً. «دانشآموز در حال حرفزدن برخاست.»

۵- حال در «جنس و عدد» مطابق با صاحب حال می‌آید؛ مثلاً:

- |  |  |
|--|--|
| <input checked="" type="checkbox"/> رجع الطالب راضياً. ← رجعت الطالبة راضية. | <input checked="" type="checkbox"/> رجع الطالب راضياً. ← رجعت الطالبات راضيات. |
| هر دو مفرد مفونت   | هر دو فرع مفونت  |

۶- حواس‌تون باشه که سایر اسم‌های منصوب رو با حال اشتباه نگیرید! حال نباید هیچ نقش دیگه‌ای در جمله داشته باشه.

مثال:

- خبر افعال ناقصه گاهی شبیه به حال می‌شه: كثُغَارَةٌ فِي أَفْكَارِي.  
فبرگان و مفعول

- یا صفت رو با حال اشتباه نگیرید: رَأَيْنَا مَعْلَمَيْنِ مُسْلِمَيْنِ.

صفت و مفعول با عالمت فرعی «با... به تبعید»

- در فعل‌های دومفعولی مثل: «جَعَلَ، حَسِبَ، أَعْلَمَ...» ممکن است مفعول دوم تمام ویژگی‌های حال را داشته باشد و شما آن را با حال اشتباه نگیرید. در این جور موارد، تنها راه ممکن شناختن و حفظ‌کردن فعل‌های دومفعولی معروف است، تا به محض دیدن آن‌ها بفهمید که لغتِ موردنظر حال نیست! مثلاً:

- |  |                                     |
|--|-------------------------------------|
| <input checked="" type="checkbox"/> جعلٌ صديقيٍّ أَمِينَةً عَلَىٰ أُمُوري. | دوستم را امین بر کارهایم قرار دادم. |
| فعل دومفعولی مفعول اول   | مفعول دو                            |

۷- راستی! گاهی ممکنه در یک جمله دو یا چند حال، پشت سر هم (بیدون این که واو عطف بین اون‌ها باشه) بیایند؛ مثلاً:

- خرج المعلمون متکلّمین مبتسمنین! «معلم‌ها در حال حرفزدن و لبخندزنان خارج شدند!»  
حال حال

اما اگه بین این‌ها واو عطف بیاد، فقط اولی حالة و دومی معطوف محسوب می‌شه.

(سراسری هنر ۸۸)

(تست) عین الحال:

۱) زادتني حفلة تکريم المقاتلين سروراً

۲) رُبٌّ: أَرْزَقْنَا فَرْحًا لَا تَسْبِبْ غُفْلَتَنَا عَنْكَ!

۳) أَجْعَلْ أَخْتِي أَمِينَةً عَلَىٰ أَسْرَارِ حَيَاتِيٍّ

۴) رجعت أهاتنا من مكّة المكرمة راضياتٍ!

**[پاسخ]** با توجه به ویژگی‌های حال در کدام گزینه اسم مشق، نکره و منصوب داریم؟ امینه در گزینه‌ی (۳) و

راضیات (منصوب با عالمت فرعی کسره) در گزینه‌ی (۴). اما اگر دقت کنید در گزینه‌ی (۲) فعل دومفعولی أَجْعَل

اومنه که امینه مفعول دوم اون و منصوبه! پس جواب می‌شه گزینه‌ی (۴).

**[توجه]** در گزینه‌ی (۱) المقاتلين به خاطر الداشتن، سروراً به خاطر این که مصدر و جامده و در گزینه‌ی (۲) فرحاً

به خاطر این که مصدر و جامده، هیچ‌کدام نمی‌توانن حال باشن!

## ۲) پیدا کردن صاحب حال (و نوع یا نقش آن)

۱- گفتیم صاحب حال ممکنه فاعل، مفعول، نایب فاعل یا ... باشه. بنابراین می‌تونه هر اعرابی داشته باشه. پس مثل حال، فقط منصوب نیست حواستون باشه!

۲- صاحب حال حتماً یک اسم معرفه است! (برعکس خود حال که نکره است!)، مثلاً:  
- یجتهدَ ..... فی عمله راضیاً.

<input checked="" type="checkbox"/> الطالب (اسم ال دار)	<input checked="" type="checkbox"/> أخي (معرف به اضافه)	<input checked="" type="checkbox"/> معلماً	<input checked="" type="checkbox"/> عليٰ (اسم علم)
کنرہ است و نعم توئه صاحب حال باشه			

۳- در معنا، حال باید حالتِ صاحب حال را بیان کند؛ مثلاً

- خَلَقَ الإِنْسَانُ ضَعِيفًا. «انسان ضعیف افریده شده است.» ← «ضعیف» حالت کیه؟ انسان! پس الإنسان صاحب حاله!

- عَلَمَ الْمُعَلَّمُونَ طَلَابَهُمْ مُشْفِقِينَ عَلَيْهِمْ. «معلمان داش آموزانشان را با دلسوزی بر آن‌ها تعلیم دادند.» ← «با دلسوزی» حالت کیه؟  
معلومه که معلمان! پس المعلمون صاحب حاله!

۴- دقت به تطابق جنس و عدد حال و صاحب حال یادتون نرها! مثلاً:

- يَتَهَبَّ الْأُمُّ نَادِمًا. ← حال مفرد مذکوره : الْأُمُّ نمی‌تونه صاحب حال باشه، پس ضمیر «ه» که مذکوره صاحب حاله!

- شاهد المعلم تلامیذه متکلمین. ← المعلم صاحب حاله یا تلامیذه؟ معلومه که تلامیداً چون حال، جمع مذکوره، پس صاحب حالش  
باید جمع مذکور باشه!

۵- صاحب حال ممکن است گاهی ضمیر بارز یا ضمیر مستتر باشد که در این صورت باید با دقت بیشتر به معنی جمله و تطابق  
جنس و عدد آن با حال، باید آن را پیدا کنیم؛ مثلاً:

- أَرْجُو لَهُ أَنْ يَعِيشَ مُؤْمِنًا. «امیدوارم که [او] بایمان زندگی کند.» ← «بایمان» حالت «او» رو بیان می‌کنه. حالاً «او» در جمله‌ای  
که حال توشه همون ضمیر هُو مستتر در فعل یعنیش است! پس صاحب حاله!

۶- در جمله‌هایی شبیه به مثال زیر اگر در انتخاب صاحب حال، بین یک «اسم ظاهر» و یک «ضمیر بارز یا مستتر در فعل» شک  
داشتیم، موردی را که در جمله به حال نزدیکتر است انتخاب می‌کنیم! مثلاً

- السَّمُونَ يَدْخُلُ الْجَنَّةَ شَاكِرًا. «مؤمن در حال شکرگزاری به بهشت داخل می‌شود.» ضمیر مستتر «هو» به شاکرًا نزدیکتره، پس  
اسم ظاهر ضمیر مستتر هو حال  
همون صاحب حاله!



(سراسری ریاضی ۶۰)

**تست عین صاحب الحال فاعلاً:**

۱) أخذت الكتب من المكتبة سريراً

۲) يحاسب المخطئ خائفًا

۳) رأيت الضيوف في الغرفة جالسين!

۴) دعوت أقربائي شاكرين!

**[پاسخ]** گزینه‌ی (۱): «کتاب‌ها را با سرعت از کتابخانه گرفتم!» سریعاً حاله، با توجه به معنی حالت چه کسی رو نشون می‌ده؟ ضمیر «ثُ» در آخذت که فاعل جمله است! یعنی همین جوابها گزینه‌ی (۲): «خطاکار، در حال ترس، محاسبه می‌شود!» خائفًا حالت المخطئ رو که نایب فاعله نشون می‌ده! گزینه‌ی (۳): «مهمان‌ها را در اتاق نشسته دیدم!» جاسین حالت مهمان‌ها یعنی الضيوف رو نشون می‌ده که مفعوله. گزینه‌ی (۴): «نزدیکانم را در حالی که تشکر می‌گردند دعوت کردم!» شاکرین حالت اقرباء رو نشون می‌ده که مفعوله!

**۱۳ درست یا غلط بودن حال**

۱- به همه‌ی ویژگی‌های حال دقت کنید که درست باشند؛ (مشتق، نکره، منصوب) یعنی اسمی که حال می‌شود: ال ندارد، معروف به اضافه نیست و نباید مرفوع باشد.

۲- به تطابق جنس و عدد حال با صاحب‌حال دقت کنید!

۳- برای اسم‌های مؤنث مجازی و اسم‌های جمع غیرعاقل از حال مفرد مؤنث استفاده می‌شود؛ مثلاً

-قرآن الحِكْمَ في الأمثال القديمة متشابهة

صاحب‌حال (مع غیرعاقل)      حال (مفرد مؤنث)

۴- یادتون نره:

متکلم وحده، هم واسه مذکوره و هم مؤنث! پس: أنا أعيش ..... خاضعاً.

متکلم مع الغير دیگه بدتر!! هم واسه مذکوره، هم مؤنث، هم جمع و هم مشتبه!

پس: نحن نستمع إلى القرآن ..... خاشعین.      خاشعات.

۵- در بعضی جمله‌ها می‌توئیم کلمات مختلفی رو صاحب‌حال در نظر بگیریم و به تناسب صاحب‌حال، حال‌های مناسب بنویسیم؛ مثلاً:

شاهد الوالد بنته .....

مسروراً (اگه الوالد صاحب‌حال باشه)

مسرورةً (اگه بنت صاحب‌حال باشه)

مسرورین (اگه والدو بنت هر دو صاحب‌حال باشند)

مسرورتین (نمی‌شما چون الوالد مذکوره باید از اسم مثنای مذکور استفاده کنیم!)



**حال**

(سراسری هنر ۸۵، با تغییر) ۳۱۶ - «لا تُقيموا الصلاة .....!». عَيْنَ الصَّحِيحِ لِإِيجادِ أَسْلوبِ الْحَالِ:

- ۱) متکاصلین ۲) متکاصلات ۳) متکاصلون ۴) المتکاصلین

(سراسری هنر ۸۳، با تغییر) ۳۱۷ - «شارك ..... في المراسيم ..... زيارة العلماء». عَيْنَ الصَّحِيحِ لِفَراغِ لِأَسْلوبِ الْحَالِ:

- ۱) الطالب - مطالبين ۲) طالبان - مطالبان ۳) طلاب - طالبون ۴) الطلاب - مطالبين

(سراسری تهری ۸۰) ۳۱۸ - «شاهد المعلم المدعى ..... عَيْنَ الْخَطَا لِلْفَرَاغِ:

- ۱) مسوروین ۲) متعجبین ۳) متعجبین ۴) مبتسماً

(ازمایشی سنبش ۹۱) ۳۱۹ - عَيْنَ الْخَطَا لِلْفَرَاغِ: «وصلنا إلى الحفل ..... فلم يكن مكان للجلوس!»

- ۱) متأخرات ۲) متأخرة ۳) متأخرتين ۴) متأخرین

(ازمایشی سنبش ۸۷) ۳۲۰ - عَيْنَ الْخَطَا لِلْفَرَاغِ: «جها الطفل ..... والدته من اصطدام السيارة .....»

- ۱) خائفین ۲) خائفاء ۳) خائفاء ۴) خائفان

(سراسری هنر ۸۸) ۳۲۱ - عَيْنَ الْحَالِ:

- ۱) زادتني حفلة تكريمه المقاتلين سروراً ۲) رب؛ أرزقنا فرحاً لا يسبب غفلتنا عنك ۳) أجعل أخيه أمنية على أسرار حياتي ۴) رجعت أمهاتنا من مكده المكرمة راضياتاً

(سراسری زیان ۸۳، با تغییر) ۳۲۲ - عَيْنَ الْخَطَا (في الحال):

- ۱) أسرع الطالب إلى البيت مائياً و عاجلاً ۲) دخلت المعلمة الصُّفُّ فوقنا شاكرات لها ۳) ذهب المجاهدون إلى الجبهات مكثرون مهلوتون ۴) اجتمع المسلمون في ساحة المدينة مطالبين بحقوقهم



## جمع بندی

پرسش‌های چهارگزینه‌ای

(از مایشی سپهش ۹۱، با تغییر)

٣٢٣- عین الخطأ في الحال:

- (١) أشاهدك متكلمة مع صديقاتك المخلصات!
- (٢) ظاهر الناس المظلومون هاتفين خذ المستكرين!
- (٣) أخذت الأم يدي بتبيتها خائفتين عند العبور من الشارع!
- (٤) نصيحة الأب ولديه في حياته مستقيدين من نصائحه طول الأيام!

(سراسری قارچ ارکشور ۹۲)

٣٢٤- عین الحال:

- (١) جعلت صديقتي أمينة لأموري الشخصية لأخبرها
- (٢) تناولت لقمة من الطعام ثم خرجت من البيت خروجاً
- (٣) إلهي؛ أعطني فرحاً لا أغفل عن تعبدك و طاعتك!
- (٤) قمت للإجابة عن المدرس مؤدياً ثم جلست ياذن المعلم!

(سراسری تبریز ۸۳، با تغییر)

٣٢٥- عین ما ليس فيه الحال:

- (١) بدأت الطالبة بدراستها فرحة و كتبت واجباتها.
- (٣) تدخل المؤمنات الجنة شاكرات نعمة ربهن.

(سراسری تبریز ۹۳)

٣٢٦- عین ما ليس فيه الحال:

- (١) قطعت هذه الطالبة طريقها نحو المدرسة مسرعة!
- (٢) نشاهد في أعماق البحار الظلمات متراكمة في طبقات!
- (٣) اندفع المجاهدون إلى القتال متغلبين على الله تعالى!
- (٤) ليس العدو قادرًا على أن يسيطر على شعبنا المقاومًا!

(سراسری قارچ ارکشور ۹۱، با تغییر)

٣٢٧- عین الحال:

- (١) إنك كت طالباً ذكياً، فلماذا تتکاسل في دراستك؟!
- (٢) لم يكن الضيف يستطيع أن يبقى في المدينة متظراً!
- (٣) كيف يمدح هذا الشاعر المسلم الحكم الظالمين؟!
- (٤) هذا رأي صحيح غير أنَّ كثيراً من الطلاب لا يوافقون عليه!

(سراسری زبان ۹۳)

٣٢٨- عین الحال:

- (١) يشجع المعلم المثالي تلاميذه بأن يكونوا مثلاً صالحًا في الحياة!
- (٢) بعض الناس يحيطون أن تسافروا راكبين في القطار أو الطائرة!
- (٣) كان الطفل باكيًا من أجل أمه ولكن لم يجدها في البيت!
- (٤) العقل هبة من الله لاتنه يسبب النجاة في أسوأ الحالات!

(سراسری ریاضی ۹۱)

٣٢٩- عین العبارة التي تبين حالة الفاعل:

- (١) إن الأنبياء يهدون الناس ضاللين!
- (٣) استيقظت الطفولة من النوم قلقاً!

## جمع بتدنى

پرسش‌های چهارگزینه‌ای

(سراسری زبان ۹۰، با تغییر)

### ٣٣٠- عین صاحب الحال جمع تكسير:

- ١) أليست هذه الأم بناتها ملابسهن الجديدة بسيطة نظيفة؟
- ٢) في الغرفة شاهدت الموظفين دؤوبين في أعمالهم!
- ٣) ساعدنا المؤمنين مسؤولين عن تأمين معاش عوائلهم!
- ٤) أرأي ساكنو هذه القرية جبالها خبيثين بمسالكها!

(سراسری تهریز ۹۰)

### ٣٣١- عین صاحب الحال مرفوعاً:

- ١) يعيش هؤلاء الطلبة متوكلين على ربهم دائمًا
- ٣) شاهدنا في سفرنا تلك القرى القديمة جميلة!

(سراسری رياضي ٨٧)

### ٣٣٢- عین الحال بيّن حالة المفعول:

- ١)قرأ التلميذ درسه حول موضوع قرآن المائة دؤوبًا
- ٣) يا أيها الناس علموا أولادكم مشفقين عليهم!



۳۱۶- **گزینه‌ی (۱)** ویژگی‌های حال: اسم مشتق، نکره، منصوب و از نظر جنس مطابق با صاحب حال! در گزینه (۲) متکا‌سلاط مؤنثه و با صاحب حال (فاعل فعل ثقیل) جور نیست! گزینه‌ی (۳) با او مرفوعه و گزینه‌ی (۴) ال داره و معرفه است.

۳۱۷- **گزینه‌ی ۴** اولین جای خالی صاحب‌حاله که به اسم معرفه است (پس گزینه‌های (۲) و (۳) رد می‌شون!) و دومی حاله که باید با صاحب‌حال از نظر جنس و عدد مطابق باشد. پس (۱) هم رد می‌شود!

۳۱۸- **گزینه‌ی ۲** بسته به این که المعلم رو صاحب‌حال بگیریم یا المدعوین رو، بیشتر از یک حال می‌توانیم تو جای خالی بذاریم! یعنی حال می‌توانه مفرد مذکور یا جمع مذکور باشد. اما متعجبه مفرد مؤنثه و غلطه!

۳۱۹- **گزینه‌ی ۲** گفتیم که برای صاحب‌حالی که متکلم مع الغیر باشد، حال می‌توانه مذکور یا مؤنث و مثنی یا جمع باشد! اما مفرد، هرگز! پس متاخره در گزینه‌ی (۲) غلطه. ترجمه: «به جشن دیر رسیدیم پس جایی برای نشستن نیودا!»

۳۲۰- **گزینه‌ی ۲** بستگی داره که کدوم کلمه یا کلمات رو صاحب‌حال بگیریم! الطف مفرد مذکور، والدة مفرد مؤنثه، هر دو با هم مثنای مذکور محسوب می‌شون. اما جمع مذکور (یعنی سه نفر به بالا!) نداریم! پس حال نمی‌توانه جمع مذکور باشد و گزینه‌ی (۲) غلطه.

**[نکته]** اگر در جمع خانم‌ها، یک نفر مذکور باشد، اون جمع رو «جمع مذکور» به حساب میاریم! ☺

۳۲۱- **گزینه‌ی ۴** باید به یاد ویژگی‌های حال باشیم: نکره و منصوب! پس: (۱) المقالتین که ال داره، سروراً که جامده! (۲) فرحأ مصدر و جامده و با توجه به معنی مفعوله: «خدایا، به ما شادمانی ای را روزی ده که سبب غفت ما از تو نشود!» (۳) آمنیة همه‌ی ویژگی‌های حال رو داره اما مفعول دوم فعل اجعول است (فعل‌های دومفعولی رو باید حفظ کنید!) (۴) راضیات حال و منصوب با کسره است: «مادرانمان از مکه‌ی مکرمه با رضایت بازگشتند»

۳۲۲- **گزینه‌ی ۳** کافیه که بدونیم حال منصوبه! مکثرون و مهلهلُون هر دو حال هستند و باید مکثین و مهلهلین باشند! همین! «رزمندگان تکبیرگویان و لا الله الا الله گویان به جیوه‌ها رفتند!»

۳۲۳- **گزینه‌ی ۴** بازم فقط باید بدونیم که حال منصوبه! مستفیدون در گزینه‌ی (۴) باید مستفیدین باشد، یعنی منصوب با یاء و البته مثنی، چون صاحب‌حال ولدین است که مثنی است! «پدر دو پسرش را در زندگی اش نصیحت کرد در حالی که (آن دو) از نصیحت‌هایش در طول دوران استفاده می‌کردند!»

۳۲۴- **گزینه‌ی ۴** (۱) آمنیة با این که همه‌ی ویژگی‌های حال رو داره، اما مفعول دوم فعل جعل است (باید فعل‌های دومفعولی رو حفظ کنید حتمن!) (۲) خروجاً مصدر و جامد و مفعول مطلقه! (۳) فرحأ با توجه به معنی مصدر و جامد و مفعوله: «خدایا: به من شادمانی ای را عطا کن که ...» (۴) مؤدیاً: حال و منصوبه و صاحب‌حال ضمیر باز ز«ث» در قمث است: «برای پاسخ به درس مؤدبانه برخاستم سپس با اجازه‌ی معلم نشستم!»

۳۲۵- **گزینه‌ی ۲** (۱) فرحة: حال و صاحب‌حال الطالبة «دانش‌آموز با خوشحالی درس خواندن را شروع کرد و تکالیفش را نوشت.» (۲) شاکرات: حال و صاحب‌حال المؤمنات «مؤمنان در حال شکرگزاری نعمت پروردگارشان به بهشت داخل می‌شوند.» (۲) حال نداریم! مواصلة مصدر هم‌جنس فعل جمله و مفعول مطلق تأکیدیه! «سوارکار راه سختش را در صحرا بی‌شک ادامه می‌دهد.» (۴) مبتسمة: حال و صاحب‌حال المعلمة. «معلم لبخندزنان با لطف و مهربانی داخل کلاس شد.»

۳۲۶- **گزینه‌ی ۴** قادر‌آخبر لیس و منصوبه حواستون باشد! العدو هم اسم لیس و مرفوعه! به ترجمه دقت کنید: «دشمن قادر نیست بر این که بر ملت مقاوم مان غلبه کنده!»

۳۲۷- **گزینه‌ی ۲** (۱) طالباً خبر کان و منصوب و ذکیاً صفت اونه! (۲) منتظر: حال و صاحب‌حالش ضمیر مستتر هو در بیکی است: «مهمنان نمی‌توانست در شهر در حال انتظار باقی بماند!» (۳) اصلأً اسم نکره نداریم که بخواهد حال باشد! (۴) کثیراً: اسم آن و منصوبه! حال نداریم که ...!

۳۲۸- **گزینه‌ی ۲** راکین در گزینه‌ی (۲) حال و منصوب با یاء است: «بعضی از مردم دوست دارند که سوار بر قطار یا هواپیما سفر کنند!» در سایر گزینه‌ها: (۱) مثلاً خبر کان، صالحأ: صفت مثلاً. (۳) با کیا: خبر کان، (۴) هیچ اسم منصوبی نداریم که با حال اشتباه شد!

۳۲۹- **گزینه‌ی «۳»** به ترجمه و تطابق حال و صاحب‌حال دقت کنید: (۱) ضالین حالتِ الناس رو می‌گه که مفعوله! چون انبیا که گمراه نبودند! «پیامبران، مردم را هدایت می‌کنند در حالی که گمراهند!» (۲) نادماً حالت «س» رو می‌گه که بازم مفعوله! «مادرش او را آگاه کرد در حالی که از کار بخش پیشیمان بودا!» (۳) قلقة حالتِ الطفّة رو می‌گه که فاعله: «بچه با نگرانی از خواب بیدار شده!» (۴) مظلومین حالتِ إخوان رو می‌گه که مفعوله: «باید برادران مسلمان‌را در حالی که مظلوم هستند، یاری کنم!»

۳۳۰- **گزینه‌ی «۱»** (۱) حال: پسیطه و نظیفه، صاحب‌حال: ملاس (جمع مکشره! خودشها!) «این مادر به دخترانش لباس‌های جدیدشان را پوشاند در حالی که ساده و تمیز بودند!» (۲) حال: دُوَيْن، صاحب‌حال: الموَظَفِين. «در آفاق، کارمندان را دیدم در حالی که در کارهایشان تلاش می‌کردند!» (۳) حال: مسؤولین، صاحب‌حال: المؤْمِنِين. «مؤمنین را یاری کردیم در حالی که نسبت به تأمین معاش خانواده‌هایشان مسؤول بودند!» (۴) حال: خبیرین، صاحب‌حال: ساکنون. «ساکنان این روستا کوههای آن را به من نشان دادند در حالی که به راههای آن آگاه بودند!»

۳۳۱- **گزینه‌ی «۱»** ترجمه مهمه‌ها! (۱) حال: متوكّلین، صاحب‌حال: هؤلاء (فاعل و محلّاً مرفوع!) «این دانش‌آموزان همیشه با توکل به پروردگارشان زندگی می‌کنند!» (۲) حال: مختلفین، صاحب‌حال: أكثر (مفعول‌به و منصوب!) «بیشتر دانش‌آموزان را با اختلاف در سلیقه‌هایشان دیدم!» (۳) حال: جمیله، صاحب‌حال: تلك (مفعول‌به و محلّاً منصوب!) «در سفرمان آن روستاهای قدیمی را زیبا مشاهده کردیم!» (۴) حال: مشابهه، صاحب‌حال: ضمیر «هَا» (مفعول‌به و محلّاً منصوب!) «این‌ها حکمت‌هایی هستند که آن‌ها را در مَثَلِهای قدیمی شبیه به هم خواهند‌بینیم!»

۳۳۲- **گزینه‌ی «۲»** بازم ترجمه‌ها رو داشته باش! (۱) حال: دُوَيْباً، صاحب‌حال: التلميذ (فاعل و مرفوع!) «دانش‌آموز درش را درباره‌ی موضوع پادماده‌ها با تلاش خواند!» (۲) حال: ساهرات، صاحب‌حال: المَرْضَات (مفعول‌به و منصوب با کسره!) «در بیمارستان پرستاران را بیدار دیدم!» (۳) حال: مشفّقین، صاحب‌حال: ضمیر «وَاو» در عَلَمُوا (فاعل و محلّاً مرفوع!) «ای مردم فرزنداتان را با دلسوزی بر آن‌ها آموزش دهید!» (۴) حال: مَعْجِبًا، صاحب‌حال: ضمیر «ثُ» در شاهدث (فاعل و محلّاً مرفوع) «گل‌های باغ را دیدم در حالی که از زیبایی آن‌ها خوشم آمد!» (معجب صفتیه که برای انسان به کار میره و در ضمن همین که مفرد مذکوره، یعنی که از هار صاحب‌حالش نیست!)